

«شرق» در گفت‌وگو با یک کارشناس طراحی راه و ممیزی ایمنی حمل‌ونقل، نقاط ضعف و واقعیت‌ها را بررسی می‌کند

ایمن سازی جاده عباس آباد-میامی برای یوزها عملی است؟

حدود سه ماه از تلف شدن آخرین یوز در جاده محور عباس‌آباد-میامی می‌گذرد؛ اما کماکان چند نقطه ابهام و ضعف برای ایمنی تردد نادرترین گربه‌سان دنیا به قوت خود باقی است

صفحه ۶

سرمقاله

دموکراسی بدون دموکراسی

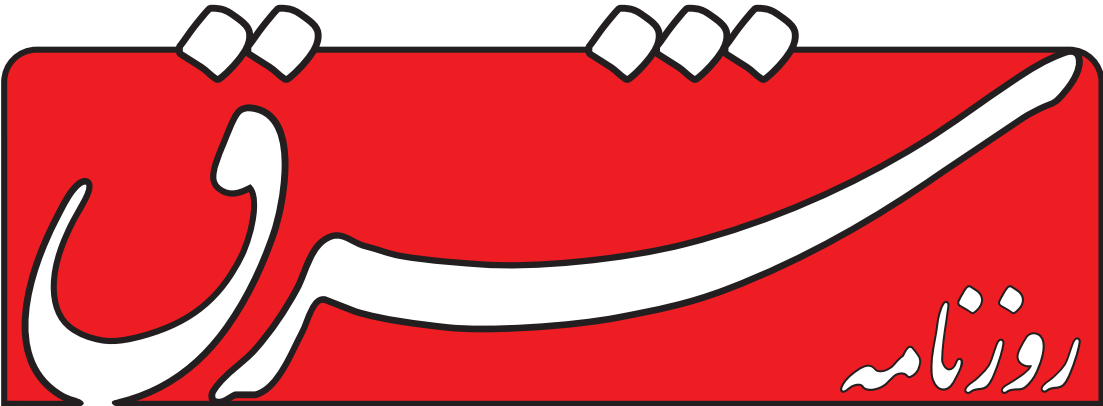


احمد غلامی

آنچه بیش از هر زمان دیگر جای خالی آن احساس می‌شود، مواجهه انتقادی با یکدیگر و ندادن اجازه مخالفت با دیدگاه‌های متفاوت است. به قولی ما همه به وجوه مختلف جزم‌اندیشیم. به تعبیر افلاطون شناخت حقیقی برای ذهنی ممکن می‌شود که درگیر احساس نباشد. این تعبیر از آنجا ناشی می‌شود که افلاطون باور دارد: «اگر کسی به دنبال حقیقت باشد، جسم مزاحم است و چون حقیقت غیرجسمی است و در ورای حس بینایی قرار دارد، فقط با چشم روح رؤیت‌پذیر است، که خود نیز غیرمادی است و در ورای دید احساسی ما است». این سخنان افلاطون برای ما بسیار ملموس است. آن را بارها و بارها از طرق مختلف از زبان عالمان، روشنفکران و سیاست‌مداران در مقاطع مختلف تاریخی شنیده‌ایم. درواقع نوعی حقیقت جویی، حقیقت‌طلبی افلاطونی ریشه در اعماق فرهنگ و اخلاقیات ما دارد. این نگرش افلاطونی یعنی کشف حقیقت، بر مبنای ثبوت یا دوگانه روح و جسم شکل گرفته که برای روح ارزشی متعالی قائل است؛ روحی که با ریاضت و زهد و سخت‌کوشی می‌تواند به حقیقت دست یابد؛ بنابراین آنکه به این حقیقت دست می‌یابد، سخت تن به نقد و ابطال آن خواهد داد. اما برخلاف این نظر، کانت اصرار بر تفکر انتقادی دارد و بی‌دلیل نیست که کتابی با عنوان «نقد خرد ناب» نوشته است. از عنوان کتاب این‌گونه برداشت می‌شود که او قصدی جز نقد فلسفه ماقبل خود نداشته است. کانت باور دارد حتی باید خرد را آن‌گونه ناب کنیم که مطمئن بشویم هیچ تجربه یا احساسی از خود را وارد تفکر خردمندانه نکرده‌ایم. ناگفته پیدا است که ما از سنت تفکر کانتی که قرن‌ها پیش در سنت روشنگری غرب بالیده و واژه نقد از همین دوران روشنگری وام گرفته شده است، بسیار فاصله داریم. کانت می‌گوید: «دوران ما دوران نقادی است و این نقادی درمورد همه چیز است. دین و قانون‌گذاری ممکن است خود را از این امر مستثنا کنند؛ ... خرد درمورد چیزی به کار می‌رود که توانسته است از آزمون ارزیابی علنی روسفید بیرون بیاید». کانت به همین حد بسنده نمی‌کند و خرد را نیز به تیغ نقد می‌سپارد و «افتضاح خرد» را نیز عیان می‌کند. به تعبیر هانا آرنت از فلسفه نقادی کانت، «نه‌فقط سنت و اربابان قدرت انسان را به گمراهی می‌کشانند، بلکه خود خرد نیز این کار را کرده است. پس معنای نقادی، کوشش برای کشف منابع و محدودیت‌های خرد است». دموکراسی غرب از چنین فلسفه‌ای ریشه گرفته است، فلسفه نقادی، نقد صریح و بی‌رحمانه هر آنچه مانع شکوفایی ارزش‌های انسانی می‌شود. این نقد حتی دامن خرد را نیز می‌گیرد و جرئت آن را برنمی‌تابد. این دموکراسی که ما امروز در پی آن هستیم، در جنبش ۸۸، اعتراضات دی ۹۶ و آبان ۹۸ و اعتراضات اخیر که معترضان با صراحت بیشتر دموکراسی‌خواهی را فریاد می‌زنند، باز دموکراسی بدون نقد است؛ به‌طوری‌که بعدی است در هنگامه این اعتراضات به دلیل شرایط حساس کنونی جنبش، معترضان تاب و توان شنیدن نقد را داشته باشند. البته این امر دور از ذهن و مایه تعجب نیست؛ چراکه معترضان در چند دهه گذشته هرگاه نقدی جدی و مطالباتی اساسی داشته‌اند، به دلیل موقعیت حساس کنونی با برخورد‌های متفاوتی روبه‌رو بوده‌اند. اما آنچه امروز اهمیت دارد، پشت سر گذاشتن گذشته غیرقابل دفاع و دست‌یازیدن به نقد است. حتی نقد همین اعتراضات اخیر، معترضان هم باید خود را نقد کنند و هم باید نقدپذیر باشند؛ چراکه اصل، پایبندی به دموکراسی است. دموکراسی واقعی و ترویج فرهنگ دموکراسی و پذیرش نقد مخالفان هدف است. دموکراسی وسیله‌ای برای پیروزی نیست. نمی‌توان با دموکراسی بدون نقد، وعده دموکراسی واقعی در آینده داد. حیات دموکراسی وابسته به نقد دموکراسی است. بی‌تردید این‌جانب غرب به‌درستی به آن می‌بالد، شکل‌گیری دموکراسی با سنت تفکر انتقادی است. هیچ‌کس در هیچ جایگاهی از مواجهه انتقادی برحذر نیست. تفکر انتقادی نزد کانت از بی‌غرضی شکل می‌گیرد: «من امیدوارم با بی‌غرضی و مشاهده قضاوت‌های دیگران به بینش سومی برسم که در بصیرت سابق من بهبود ایجاد کند». گسترده‌ساز ذهن، یا تفکر انتقادی امکان‌پذیر است، «مقایسه قضاوت خویش با قضاوت‌های ممکن و نه عملی دیگران و خود را در جای شخص دیگری قرار دادن است». گسترده‌سازی ذهن، نقش تعیین‌کننده‌ای در نقد قوه داورى دارد. به تعبیر هانا آرنت: «اندیشه گسترده در درجه اول نتیجه انتزاع‌کردن خویش از محدودیت‌هایی است که تصادفات بسر داورى ما حاکم کرده است، راحت‌شدن از وضعیت‌های ذهنی خصوصی‌ای است که بسیاری را محدود می‌کند؛ یعنی راحت‌شدن از دست چیزهایی که ما منافع شخصی می‌خوانیم». این دو مورد نشان می‌دهد پذیرش دموکراسی واقعی تا چه مایه دشوار است و تا چه حدی ریشه در سنت روشنگری دارد. روشنگری در درجه اول آزادشدن از هر تعصب است. فلسفه روشنگری حدود ۷۵ سال پیش از سوی باینان مکتب فرانکفورت، تئودور آدورنو و ماکس هورکهایمر در کتاب «دیاکتیک روشنگری» مورد نقد جدی قرار گرفته است. این کتاب مهم‌ترین نظریه انتقادی است که در آن شکست روشنگری واکاوی می‌شود. این گفته برای اثبات این مدعا است که دموکراسی بدون نقد نمی‌تواند به راه خود ادامه بدهد. در کنار اینها یادآوری این نکته ضروری است که ما تا چه حد از سنت تفکر انتقادی فاصله داریم و برای از بین بردن این فاصله راهی جز پذیرش مخالف و مدارا با او نخواهیم داشت، حتی اگر دستیابی به مطالبات ما با تأخیر و دشواری صورت بگیرد.

• برای نوشتن این یادداشت از کتاب «هانا آرنت، درسگفتارهای فلسفه سیاسی اکانت داورى»، به اهتمام و ویراست رونالد بینر، ترجمه و

اضافات فرهنگ رجبی، انتشارات دمان استفاده شده است.



شنبه ۵ آذر ۱۴۰۱ • ۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۲۶ نوامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۳۰ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: آیا قانونی متفاوت یا سخت‌گیرانه درباره حجاب تدوین خواهد شد؟ گفت‌وگوی وکیل دانشجوی افغانستانی گمشده با «شرق» و **یادداشت‌هایی از ترانه یلدا**، مریم مرامی، حمیدرضا آقابابائیان



آملی لاریجانی:

نظام ظرفیت اصلاح خود را دارد

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: این حرف که اعتراضات باید شنیده شود، حرف صحیحی است. اینکه شنیدن صوری نباشد هم درست است و این نظام هم ظرفیت اصلاح خود را دارد. به گزارش ایلنا، آیت‌الله آملی‌لاریجانی در دیدار با جمعی از دانشجویان دانشگاه شریف و نمایندگان تشکل‌های سیاسی این دانشگاه، پس از شنیدن...

صفحه ۳

چین و پاکستان از بازار گاز ایران رویگردان شده و به سمت رقبا رفتند

چاله گاز

چین طولانی‌ترین قرارداد تأمین گاز را به مدت ۲۷ سال با قطر بست

فشار بر تهران با چه هدفی؟

گزارش «شرق» از نشست ویژه شورای حقوق بشر صدور قطع‌نامه ضدایرانی و تشکیل کمیته حقیقت‌یاب



گفت‌وگو با محمد مهدی عسگریور درباره سیر تاریخی ساخت فیلم سیاسی در سینمای ایران

موضوعات سیاسی به سینمای کمدی پناه برده‌اند

یادداشت

واقعیت توهمی



مهرداد احمدی شیخانی

مهم‌ترین تفاوت روابط در محیط واقعی با محیط مجازی چیست؟ به گمان من مهم‌ترین تفاوت در انتخابی‌بودن این روابط است. مثلاً ما در محیط واقعی نمی‌توانیم پدر و مادر و فامیل و اقوام خود را انتخاب کنیم. چه بخواهیم و چه نخواهیم، عده‌ای اقوام ما هستند و عده‌ای نیستند. همکارانمان را هم انتخاب نمی‌کنیم. اهالی محل و همسایگانمان را هم انتخاب نمی‌کنیم یا اگر هم بشود همکار یا همسایه را انتخاب کرد (که خیلی دور از ذهن است)، این انتخاب بسیار بسیار محدود است. شاید تنها جایی که در جهان واقعی امکان انتخاب داریم، دوستان‌مان و تا حدی همسرمان باشد که در این دو مورد هم زمانی که دست به انتخاب زدیم و با کسی دوست شدیم یا ازدواج کردیم، دیگر به این راحتی، قطع ارتباط میسر نخواهد بود، به‌خصوص در امر ازدواج. در فضای مجازی اما این چنین نیست. به راحتی یک نفر را به فهرست دوستان می‌آوریم و بیرون می‌کنیم. تصمیم‌گیری در آنجا و انجاشم به اندازه یک کلیک طول می‌کشد و تمام. حتی در فضای مجازی می‌توان محیطی را برای خود ساخت که خانواده، اقوام و دوستان چندین و چندساله هم به آن راهی نیایند. می‌توان همکاران را کلاً از آن بیرون گذاشت. بسیاری کسانی که در فضای مجازی، هیچ ارتباطی با خانواده و فامیل ندارند. آنجا فقط و فقط یک محیط انتخابی است و البته به همین دلیل انتخابی‌بودن، تنها روابطی که دوست داریم و فقط با کسانی که خوشمان می‌آید برقرار می‌شود.

ادامه در صفحه ۵

جناب آقای غلامرضا واقف‌زاده و آقای دکتر محمدحسین واقف‌زاده

باکمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.

اکبرامیر خانی و خانواده

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۶۰ ۳۶ ۱۱۹

WWW.SHARGHDAILY.IR

ورق برگشت. ایران اولین بردش در جام جهانی ۲۰۲۲ را کسب کرد و با دو گل از سد تیم ولز، در رقابت‌های مرحله گروهی جام جهانی عبور کرد تا حالا از هر دو بازی‌اش در این جام دو گل زده داشته باشد. این به آن معنی است که اکنون سرنوشت صعود به دست شاگردان کارلوس کی‌روش افتاده است. ایران با سه امتیاز، بخت زیادی برای رسیدن به مرحله بعدی دارد و باید مقابل آمریکا برای ثبت یک اتفاق تاریخی، منسجم باشد. اگر ایران بتواند امتیازات موردنظرش از بازی با آمریکا را به دست بیاورد، آن‌وقت لحظه‌ای که بسیاری در فوتبال ایران برایش لحظه‌شماری می‌کردند، رقم می‌خورد؛ اولین صعود به مرحله دوم در تاریخ جام جهانی. تیم ملی موفق شد در ششمین حضورش در جام جهانی، برای دومین بار در بازی دوم، برنده از زمین مسابقه خارج شود.

گزارش تیتُر یک را در صفحه ۹ بخوانید

قریب به اتفاق از همین روزنامه‌ها که با تأسف با آنها برخورد کردیم و با بستن روزنامه و روانه زندان کردن روزنامه‌نگاران که جملگی در ایران پرورش یافتند و چون بی‌کار شدند جلای وطن کردند، هستند. بیایید، برای یک بار هم که شده خود را در جایگاه متهم بنشانیم و این پرسش را مطرح کنیم چه کسی باعث شد استودیوی هر یک از این رسانه‌ها از افرادی پر شود که روزگاری در ایران با میل و رغبت و علاقه به تولید خبر و تحلیل و گزارش مشغول بودند و چون عرصه را بر خود تنگ دیدند، ایران را ترک کردند؟ نگارنده در استودیوی رسانه‌ای رسانه‌های آن‌سوی مرزی غیر از ایران اینترنشنال حضور داشتم، انکار وارد تحریری روزنامه‌های ایران شده باشم سؤال اکثر خبرنگاران این است آیا می‌توانیم به ایران برگردیم و جالب است بگویم حاضر بودند آقای مرتضوی با آنان برخورد کند و مدتی زندان باشند و بعد از آن بتوانند در ایران فعالیت کنند.

امروزه اگر با تأسف رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور پر شنونده و بیننده شده‌اند و رادیو و تلویزیون ملی را تحت‌الشعاع اخبار راست و دروغ خود قرار داده‌اند، مقصر کیست؟ کدام کشور را می‌توان پیدا کرد که انبوه نخبگان خود را دودست تقدیم کشورهای دیگر کرده باشد؟ همین وضع در دیگر رشته‌ها هم حاکم است؛ کدام دانشگاه و کدام شرکت معروف حتی ناسا را می‌توان پیدا کرد که مدیران ارشد آن ایرانی نباشند. نام دکتر فیروز نادری را شنیده‌اید؟ متولد شیراز است و تحصیلات متوسطه خود را در ایران گذرانده و سپس به ایالات متحده آمریکا رفته و تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته مهندسی برق تا دکتری در آمریکا ادامه داد و قبل از انقلاب به ایران آمد و به سربازی رفت بعد از خاتمه سربازی در ایران مشغول به کار شد. اما او را از خود راندیم و دوباره به آمریکا برگردیم

ادامه در صفحه ۵

زندانش که آن زمان خانه دومش شده بود، همپای زندگی زندان بود. با یکدیگر در قرنطینه زندان اولین ملاقات کردیم و چند روزی که در کنار احمد بودم، ایام خوشی بود و بحث‌های مختلفی بین‌مان در می‌گرفت که یکی از این مباحث موضوعی تاریخی راجع به بزرگان کرمان بود که من نام فرد موردبحث را اشتباه گفته بودم و احمد هم بعد از آزادی مطلبی نوشت و از این شخص که نامش را به غلط گفته بودم، یادی کرد. استاد مرحوم دکتر باستانی‌پارزی بعد از خواندن مطلب آقای زیدآبادی در روزنامه مقاله مفصلی نوشت و با یادآوری این‌موضوع که دو نفر از همشهریان زندانی‌ام احمد زیدآبادی و نعت احمدی که در زندان به کتاب و سند دسترسی نداشتند، فلان مطلب تاریخی را گفتند و چون آقای زیدآبادی شرح موقوف را آورده برای اصلاح آن، مقاله مفصلی نوشتند، بگذریم.

اکثر روزنامه‌نگاران دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تجربه زندان را پشت‌سر گذاشتند. عده‌ای در ایران ماندند و به کار روزنامه ادامه دادند مانند همین احمد آقای زیدآبادی و بعضی مانند شمس الواعظین و دکتر علی حکمت که از کار دل به کار گل یعنی کشاورزی مشغول شدند و در گعه‌های خصوصی از این افراد روزنامه‌نگاران سابق خوشبخت

نامیده می‌شوند، چون از های و هوی تحریریه‌ها به آرامش باغ و بیابان رسیدند اما بخش زاینبار برخورد دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با روزنامه‌نگاران برمی‌گردد به آن دسته از روزنامه‌نگارانی که جلای وطن کردند و از ایران خارج شدند و با تأسف رسانه‌های آن‌سوی آب بدون اینکه هزینه‌ای برای پرورش این دسته از روزنامه‌نگاران کرده باشند با

آغوش باز آنان را پذیرفتند و امروزه می‌بینیم که رسانه‌های برون‌مرزی با پرسنل اندک خود توانسته‌اند به مرجع خبر و تحلیل تبدیل شوند.

سوگمندانه باید عرض کنم صدواسیمای ما با انبوه پرسنل خود که به

چندده هزار نفر می‌رسد و در همه استان‌ها علاوه بر شبکه‌های ملی

شبکه استانی دارند و بودجه سرسام‌آوری صرف نگهداری رادیو و

تلویزیون ملی می‌شود، نتوانسته در تقابل رسانه‌های کم‌جمعیت اما

پرمخاطب خارجی حرفی برای گفتن داشته باشد. کافی است نگاهی

به اسامی پرسنل هر یک از رسانه‌های خارجی فارسی برون‌مرزی

داشته باشیم، از گوینده و مدیر و تهیه‌کننده و برنامه‌ساز؛ اکثریت

«بازی اول اصلا اسمش فوتبال نبود و به نظرم تازه از بازی با ولز، جام جهانی برای تیم ملی شروع می‌شود». این بخشی از صحبت‌های مهدی طارمی، مهاجم بوشهری تیم ملی ایران در کنفرانس خبری قبل از دیدار با ولز بود. گویا حق با مهدی بود. ایران به معنای واقعی کارش را در جام جهانی از بازی روز گذشته مقابل ولز، در ورزشگاه «احمدین علی» استارت زد. به عبارت ساده‌تر، جام جهانی تازه برای ایران شروع شده است.

تیم ملی در بازی نخست که روز دوشنبه برگزار شد، نمایشی بحث‌برانگیز مقابل انگلیس داشت؛ نمایشی برگرفته از حواشی زیادی که تیم را تحت فشار قرار داده بود. باین حال، در بازی روز گذشته،

یادداشت

حال رکن چهارم آزادی خوب نیست



نعمت احمدی

حقوق دان

بعد از شروع اعتراضات خیابانی در شهرهای مختلف و نشر اخبار حرکت‌های خیابانی در نشریات متأسفانه باب شکایت علیه مطبوعات و نویسندگان و تحلیلگران روزنامه‌ها سرعت گرفت. نگارنده در طول دو، سه هفته گذشته به اجبار چندین نوبت به دادسرای رسانه رفتم، هم به‌عنوان وکیل و هم به‌عنوان متهم که هرچند فضای دادسرای رسانه و کسالت دیگر آن فضای امنیتی سال‌های حضور آقای مرتضوی در دادگاه مطبوعات نیست و در راهروهای دادسرای خانواده متهم و شاکی و وثیقه‌گذار را در رفت‌وآمد نمی‌بینم. در گذشته به محض احضار متهم مطبوعاتی روانه زندان می‌شد. با زندانی‌شدن متهم مطبوعاتی تازه دردسر خانواده شروع می‌شد؛ یادکردن سند که عمدتاً اهالی رسانه فاقد سند و وثیقه‌های سنگینی بودند که در آن روزگار برای متهمین مطبوعاتی صادر می‌شد. همه در نوبت احضار یا بازداشت بودند؛ از مدیران مسئول و صاحب‌امتیاز مانند دکتر حمیدرضا جلایی‌پور که برادرانش در جبهه شهید شده بودند و عضو خانواده شهید بود تا سردبیری مانند شمس الواعظین که روزنامه‌نگاری موفق و صاحب‌سبک بود تا آتشخ عبده‌الله نوری روحانی شناخته‌شده که پست‌های متعددی از نمایندگی مجلس تا وزارت و نمایندگی حضرت امام را در کارنامه خود داشت. فراموش نمی‌کنم روزی که آقای سعید مرتضوی، نگارنده را بازداشت کرد و زمانی که ورقه معرفی به زندان را می‌نوشت با نوعی پیروزی گفت می‌توانم در زندان برایت امتیاز قائل بشوم دوست داری در بند کدامیک از دوستان زندانی‌ات مثل اکبر گنجی، عماد باقی و چند تایی دیگر که برشمرد، باشی و گفت فردا هم احمد زیدآبادی را دستگیر و روانه زندان می‌کنم، هم‌ولایتی هستی با هم باشید. به این وعده‌اش وفا کرد و حدود ظهر روز بعد احمد آقای زیدآبادی با ساک و کوله‌بار